

ارگ بم

یادگاری از تاریخ کهنسال بم

اشاره: زلزله هولناک بم در روز جمعه، ۵ دی ماه ۱۳۸۲ جان عده بسیار زیادی از انسان‌ها را گرفت و خرابی بسیار به بار آورد. عمق و شدت این فاجعه موجب تأسف و تألم نه تنها مردم ایران بلکه مردم سراسر جهان گردید. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ضمن عرض تسلیت این فاجعه هولناک و مصیبت بزرگ به بازماندگان و ملت شریف ایران، گوشه دیگری از این فاجعه یعنی وارد آمدن خسارت شدید به ارگ تاریخی بم را مایه تأسف می‌داند. لذا سخن سردبیر این شماره کتاب ماه نگاهی گذرا به تاریخ بم دارد و اهمیت تاریخی آن را بررسی می‌کند، باشد که مردم داغ‌دیده بم توجه کنند که بم از پی گذشت قرون و اعصار باقی مانده و باقی خواهد ماند، همچنان سرافراز و باشکوه.

که در جنوب ایران آثار بسیاری درباره بهمن پادشاه کیانی وجود دارد، تا حدود زیادی از آن روست که لشکرکشی‌هایی به سوی اقیانوس هند و نیز خاک هندوستان داشته است. این نکته ما را متوجه اساس و بنیاد تاریخ شهر بم نیز می‌سازد. زیرا رشد و رونق بم در قرون قدیمه مربوط به نقش آن در تجارت دریایی ایران با اقیانوس هند و نیز شبه‌قاره هند بوده است.

در تاریخ ایران همچنان که ری را دروازه خراسان دانسته‌اند، (منطقه) کرمان را نیز دروازه عراق می‌گفته‌اند. منظور از عراق (ایراک - اراک) سمت غرب ایران است و کرمان از سمت هند و اقیانوس هند دروازه ورود به این بخش از ایران قدیم که شامل فارس و جبال و اصفهان و آذربایجان و بین‌النهرین و خوزستان... می‌شد، محسوب می‌گردید. از روزگاران بسیار قدیم ابتدا جیرفت، سپس بم محل عبور کاروان‌های فراوانی بود که کالاهای نفیس هندوستان و دریای هند را به داخله ایران و سپس به غرب آسیا و آن‌گاه اروپا

بم تاریخی بسیار طولانی و پرفراز و نشیب دارد. اکتشافات اخیر باستان‌شناسی در جیرفت، در مجاورت بم نشان داده است که این منطقه دربردارنده قدیمی‌ترین تمدن بشری است. این اکتشافات تمدن باشکوهی را از دل خاک بیرون آورد که حتی موجب تجدیدنظر دانشمندان در مورد تاریخ و چگونگی سیر تمدنی بشر می‌شد. همچنین حلقه‌های واسط میان تمدن‌های بین‌النهرین و هند باستان روشن‌تر گردید. پس از اکتشافات مربوط به شهر سوخته در سیستان و شهداد در کرمان، اکنون کشفیات مربوط به این منطقه نشان می‌دهد که اهمیت تحقیقات باستان‌شناسی برای نیمه شرقی ایران تا چه اندازه اهمیت دارد.

اگر نام بم را صورت خلاصه «بهمن» بدانیم، تاریخ آن سر به عصر اساطیر خواهد کشید. بهمن پادشاه کیانی، پسر اسفندیار است. از او، هم در روایات ملی اخبار بسیار نقل شده و هم در سراسر جنوب ایران آثار متعددی وجود دارد. این



اگر نام بم را صورت خلاصه «بهمن» بدانیم، تاریخ آن سر به عصر اساطیر خواهد کشید

«بم» و «جیرفت» از رهگذر مسیر تجاری جهانی که «راه ادویه» نامیده می‌شود به اوج شکوه و رونق رسیدند

قسمتی از دیوار حصار بخش نظامی و چگونگی ساختن پشت آن با هدف دفاعی، توسط جنگجویان



می‌رساندند. رونق این مسیر تجاری موجب عمران و آبادی بسیار از هند تا اروپا شد و می‌توان بر همین اساس تاریخ شهرهای بسیاری چون یزد، اصفهان، تبریز، انطاکیه، حلب، بغداد، اهواز، کرمانشاه، ترابوزان و بسیاری دیگر را مورد بررسی قرار داد.

«بم» و «جیرفت» هم از رهگذر همین مسیر تجاری جهانی که «راه ادویه» نامیده می‌شود به اوج شکوه و رونق رسیدند. کاروان‌هایی که از این مسیر تجاری از هندوستان به اروپا می‌رفتند با توجه به مقصد آنها، در تاریخ ایران به نام «کاروان‌های عراقی» شناخته شده‌اند.

بم از آنجا که در مسیر دو راه تجارت دریایی و زمینی نشسته بود، رونقی طولانی یافت. ارگ بم از منظر تاریخ ایران تأمین‌کننده امنیت ناحیه‌ای وسیع برای کاروان‌هایی بود که از آنجا می‌گذشتند. شهر و حصار گسترده اطراف آن نیز تدارک‌کننده چنین کاروان‌هایی به شمار می‌آمد.

راه تجاری بزرگی که از بم می‌گذشت از مکران Mokran می‌آمد. جایی که اکنون بیشتر به نام بلوچستان شناخته می‌شود. از هندوستان و دقیق‌تر بگوییم از سند، کاروان‌های تجاری پس از عبور از لاهور و منصوره و قصدار و بمپور سرانجام به بم می‌رسیدند. مردم بلوچستان از این رو میان بم و بمپور پیوندی در معنا و مفهوم دیده‌اند. اما مهمتر از این راه زمینی، آنکه مکران در روزگار قدیم بندری بسیار مهم به نام تیس (Tis) داشته که اکنون روستایی در کنار چاه‌بهار است. این بندر، هم کانون تجاری مهمی بوده و هم آن که در ارتباطات و حمل و نقل دریایی اقیانوس هند دارای اهمیت بسیار بود. کاروان‌های تجاری از غرب ایران به سمت اقیانوس هند، چه از طریق دریا (خلیج فارس) و چه خشکی به این بندر اتکا داشتند.

یکی از دلایل این امر، وضعیت خاص آب و هوایی تیس (دریا و خشکی مجاور آن) است. آن هنگام که هرمز (میناب قدیم) نیز رونق فراوان گرفت (قرن هفتم هجری به بعد) از آنجا نیز حرکت کاروان‌های تجاری به سمت کرمان و داخله ایران بر احوال بم مؤثر واقع می‌گشت. لذا تداوم تجارت از هرمز یا مکران و سپس رسیدن آن به کرمان اتکالی بسیار به بم داشت. بر این اساس بم هرچند دور از دریاست اما تاریخ تجارت دریایی ایران ناگزیر از توجه بدان است، در تاریخ محلی کرمان نیز بیشتر مباحث مربوط به گرمسیرات کرمان با جروم Joroom با آن ارتباط دارد.

منابع تاریخ کرمان مانند عقداالعلی، بدایع الازمان، سمط العلی، تاریخ وزیری، تاریخ شاهی قراختانیان، سلجوقیان و غز و نیز آثار متعددی از استاد گرانمایه کرمانی، دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی مطالب بسیار در این باره دارند. حتی بعضی از منابع تاریخی مربوط به فارس و یزد نیز در این خصوص دربردارنده اطلاعات ارزنده‌ای هستند مانند مواهب الهی و تاریخ آل مظفر نوشته محمود کتبی.

منابعی که مباحثی گسترده‌تر از تاریخ‌های محلی دارند مانند فارس نامه ابن بلخی، تاریخ و صاف، تاریخ الجایتو و تاریخ سیستان نیز درباره گرمسیرات کرمان و از جمله بم، مطالب مهمی دارند.

از آنجا که بم، میانه کرمان و مکران قرار داشته، عمران و آبادی آن به هر دو بستگی می‌یافته است. در دوره هخامنشیان مچیا Machia یا مک Maka (مکه) از ساتراپی‌های مهم بود. وجود آثار اشکانی و ساسانی نیز گواهی بر اهمیت این منطقه است. چنانکه اساس ارگ بم را که تاکنون به جا مانده از همان دوران می‌دانند. بدین ترتیب انتساب بم به بهمن، پادشاه کیانی باب تحقیق درباره آن را از نظر مستندات تاریخی می‌گشاید. بهمن که در اصل اردشیر نام داشته، ملقب به «درازدست» بوده است و لذا با اردشیر اول هخامنشی تطبیق داده می‌شود. او دختری به نام همای و پسری به نام داراب داشت. نگارنده این حدس را دارد که اخبار مربوط به داراب در داراب‌نامه طرسوسی و نیز مباحث مربوط به دارابگرد احتمالاً به روشن‌تر شدن این بخش از تاریخ ایران کمک خواهد کرد. کمبود منابع مکتوب، ما را به بهره‌گیری هرچه

از روزگاران بسیار قدیم ابتدا جیرفت، سپس بم محل عبور کاروان‌های فراوانی بود که کالاهای نفیس هندوستان و دریای هند را به داخله ایران و سپس به غرب آسیا و آن‌گاه اروپا می‌رساندند



بیشتر از باستان‌شناسی و اساطیر رهنمون خواهد ساخت. نباید از نظر دور داشت که برای تاریخ مکران متذکر ادامه حکومت خاندانی از کیانیان نیز شده‌اند. از قرن اول هجری، مکران و کرمان اهمیت روزافزونی در تجارت ایران و هند یافتند. از فرمانروایان ایرانی عضدالدوله دیلمی در قرن چهارم هجری، توفیق بسیاری در این زمینه داشت. فارسنامه ابن بلخی متذکر می‌شود که چگونه قضاوت «شیراز» تا «تیس» در دست قاضی فارس بوده است. میراث پررونق عصر عضدالدوله به آل‌بویه کرمان رسید و سپس جای خود را به خاندان قاورد یعنی سلاجقه کرمان داد. او مکران و کرمان را با عمان یکجا داشت و توانست امنیت و آرامش عصر عضدالدوله را احیا کند. اما در پی فتور خاندان او، تمرها وارد گرمسیرات شدند.

نآرامی‌های اواخر قرن ششم که تسلط خوارزمشاهیان نیز موجب تسکین آن نشد تا زمان استقرار کامل دولت قراختائیان ادامه یافت. در پی استقرار این دولت بود که گرمسیرات کرمان در قرن هفتم روی آسایش دید.

شکل‌گیری دولت ملوک هرمز نیز به این روند کمک بسیار رساند. نوشته‌های بابا افضل و مؤلف ناشناس تاریخ شاهی قراختائیان شرح‌گویی از نابسامانی تا بهبود اوضاع و احوال گرمسیرات کرمان دارد. نصوص این منابع در همان حال از تداوم فرهنگ کهن ایرانی در این نواحی خبر می‌دهد. با این حال می‌توان گفت که تجارت از طریق بم و نواحی اطراف آن هیچگاه متوقف نشد. در قرن هشتم نیز اهمیت این تجارت را از جدال میان آل اینجو و آل مظفر می‌توان دریافت. به همین جهت بم عرصه وقایع بسیار میان آنها گشت. معین‌الدین یزدی مؤلف کتاب مواهب الهی، در شرح این وقایع بم را دروازه هند دانسته است.

به هر حال سیر این وقایع که بم در متن و بطن آن قرار دارد طولانی است و بدین مقدار بسنده می‌شود تا اشاره‌ای باشد بر جایگاه و پایگاه بم در تاریخ و تمدن ایران. از این‌روست که در چهره تاریخی بم می‌توان سرگذشت ایرانیان و تاریخ آنان را دید. بم مانند همه شهرهای ایران در طول تاریخ وقایع تلخ و شیرین بسیار را دیده است و همواره شاهد اشک و لبخند بر چهره مردم صبور خود بوده است. اکنون نیز بار دیگر قد برخواید افراشت و برگی دیگر از تاریخ خود را ورق خواهد زد. رمز دیرپایی و دوام این ملت در شکیبایی و امید و اراده آنان است.

خسارتی که زلزله اخیر به ارگ بم وارد ساخت بار دیگر اهمیت و ارزش میراث فرهنگی را به همه یادآور می‌شود. ارگ بم از آثار مهم تاریخی ایران و دارای ارزش جهانی است. این بنا علاوه بر ارزش هنری و معماری، از نظر بیان زندگی اجتماعی و چگونگی شهرنشینی ایرانیان نیز حائز اهمیت است. دروازه، برج و بارو و محلات و تأسیسات شهری قدیم در اینجا عیناً مشاهده می‌شود. لذا از نظر تحقیقی نیز می‌توان از آن بهره فراوان در تاریخ، علوم اجتماعی و مباحث فرهنگی برد. باتوجه به چنین رخداد طبیعی یعنی زلزله، چون ممکن است دیگر بلایای طبیعی نیز آثار تاریخی را ویران سازند، لذا اندیشیدن تمهیدات لازم برای آن ضروری است. نیز باید مانع تخریب‌های انسانی، حفاری غیرقانونی و قاچاق شد. این امر مستلزم تلاش و کوشش همگانی و کمک رساندن مردم و مسئولان به میراث فرهنگی است. چنانکه همه مردم باید این آموزش را بیابند که اهمیت و ارزش میراث فرهنگی در چیست و چگونه به حفظ آنها کمک کنند و از چه طریق می‌توانند به مسئولان و متولیان چنین امری یاری رسانند. نیز لازم است تحقیقات علمی و ثبت و ضبط آثار تاریخی را از طریق تصویربرداری، کپی‌سازی، مقالات تحقیقی و نظایر آن موردتوجه بیشتر قرار داد؛ تا در صورت از بین رفتن اثری که به هرعلتی که ممکن است رخ دهد، خسارت علمی و آموزشی و تحقیقی بیشتری پدید نیاید. در خاتمه یادآور می‌شوم که آثار تاریخی‌ای که از آسیب قرن‌ها سالم مانده‌اند ممکن است آسیب‌پذیر باشند و این مسئولیت ما را در قبال آنها گوشزد می‌کند.